

...تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجهوی، قم : انتشارات بیدار، ۱۴۱۱.

...رساله سه اصل، تصحیح سید حسین نصر، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۷.

...عشر شیه، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۱.

...شرح اصول الکافی، تصحیح محمد خواجهوی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.

...المبدأ و السعاده، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدررا، ۱۳۸۱.

...مفاتیح الغیب، ترجمه محمد خواجهوی، تهران : انتشارات مولی، ۱۳۶۳.

...تفسیر آیة نور، ترجمه محمد خواجهوی، تهران: انتشارات مولی، آبی نا.

...مجموعه رسائل فلسفی، به کوشش حامد ناجی اصفهانی، تهران: حکمت، ۱۳۷۸.

فیضری، دارود، شرح فصوص الحکم، قم: انتشارات بیدار، ۱۳۶۳.

اشراقی، عبدالرزاق، اصطلاحات الصوفیه، ترجمه محمد خواجهوی، تهران: انتشارات الزمراء، ۱۳۷۲.

لاهیجی، محمد جعفر، شرح رساله المشاعر ملا صدرا، تصحیح آشنیانی، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

دانی، قاسم، تجربه دینی، تجربه عرفانی و ملاک های بازشناسی آن از دیدگاه ابن عربی، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی، شماره اول، صفحات ۱۰-۱-۴۰، ۱۳۸۳.

تجدد امثال و انعکاس آن در اشعار بیدل دهلوی

دکتر شهلا خلیل اللهی و دکتر غنکار برجساز

درآمد:

تجدد امثال، اصطلاحی است که از نظر عرفا منشأ آن، آیه ی: «هُم فِی بُسٍ مِمَّنْ خَلَقَ جَدِیدٌ (ق/۱۵)» است. این اصطلاح به این معنی است که وجود و حیات انسانی، همچنین سایر موجودات امکانی، پیوسته و آن به آن در تغیر و تبدل و نازه به نازه شدن است و فیض هستی که از مبدأ هستی بخش به ممکنات می رسد، دم به دم و لحظه به لحظه نو می شود و تغیر می یابد، یعنی به طور خلع و لبس آنچه «آن» سابق بود به کلی معدوم می گردد و در «آن» لاحق حیات جدید و وجود نازه که مسائل با حیات و وجود سابق است، به مامی رسد، نه این که هستی سابق عیناً بدون تغیر ثابت و پای برجا مانده باشد (همای، ۱۳۵۶ : ۱) این عربی در فتوحات چین می گویند: «أفرینش عبارت است از تغیر صور و تجلیات الهی در مظاهر اشیاء و چون پیش شیخ مقرر است که اعراض و جواهر در هر آنی متبدل است و تکرار نیست، گفت که: «هو الحق الذی یقول علیه، یعنی: این حقی است که اعتقاد بر وی است از آن که وجود هر چیزی که ملزوم کمالات اوست چون در هر آنی حاصل به حصول جدید است. کما قال نغالی «بَلْ هُمْ فِی بُسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِیدٍ» حصول آن چه تابع وجود است بر سبیل تجدد باشد. (خورزمی، ج ۱: ۱۴۵)

آن موجود که شاهد آن حال و تغیر و تبدل او است، به حقیقت می بیند و به یقین می داند که از آن تغیر و تبدل احوال، هیچ نقصانی و تفاوتی در عین وجود آن دو حال واقع نمی شود، زیرا که همه کس به یقین داند بی هیچ گمانی که اُیْدِیت زید، و حقیقت هستی او که او به آن حقیقت هستی زید است، از ط بآن و